

## مقاومت و جهاد در سیره دفاعی پیامبر اعظم ﷺ

رمضان قوامی دربندی

عضو حلقه علمی تاریخ اسلام / دانش آموزخته دوره نیمه تخصصی تاریخ اسلام

### چکیده

یکی از بخش‌های مهم سیره پیامبر ﷺ در دوران مدینه، جنگ‌های آن حضرت با دشمنان اسلام است؛ دشمنان بیابانگردی که شغلشان غارت بود، و کوچک‌ترین فرصتی را برای ضربه زدن به اسلام از دست نمی‌دادند و تنها قدرت نظامی مسلمانان می‌توانست آنها را از اندیشه تهاجم باز دارد. جهاد یکی از احکام اصلی اسلام است، که خداوند بارها در قرآن از آن سخن گفته، و مسلمانان را به عمل به آن فراخوانده است در اسلام به دو نوع جنگ اشاره شده است:

۱- جهاد؛

۲- دفاع؛

مقاله حاضر به موضوعاتی از قبیل: اسلام دین صلح و محبت، خاستگاه قرآنی جهاد و اذن تشریح آن، ماهیت نبردهای پیامبر ﷺ، اصول مدیریتی پیامبر ﷺ در جنگ‌ها و تدابیر و تاکتیک‌های نظامی پیامبر ﷺ می‌پردازد.

**کلید واژه‌ها:** جهاد، دفاع، پیامبر ﷺ، سیره دفاعی.



یکی از بخش‌های مهم سیره پیامبر ﷺ در دوران مدینه، جنگ‌های آن حضرت با دشمنان اسلام است؛ دشمنان بیابانگردی که شغلشان غارت بود، و کوچک‌ترین فرصتی را برای ضربه زدن به اسلام از دست نمی‌دادند و تنها قدرت نظامی مسلمانان می‌توانست آنها را از اندیشه تهاجم باز دارد.

جهاد یکی از احکام اصلی اسلام است که خداوند بارها در قرآن از آن سخن گفته و مسلمانان را به آن فراخوانده است. در اسلام به دو نوع جنگ اشاره شده است:

۱- جهاد؛ یعنی جنگ‌هایی بخش که مسلمانان با هدف توسعه و نفوذ اسلام در سرزمین‌های کفار انجام می‌دادند.

۲- دفاع؛ یعنی جنگ با مهاجمانی که به سرزمین‌های اسلامی حمله می‌کنند.

پیامبر اسلام ﷺ از نوع دوم جنگ استفاده می‌کردند. چرا که هدف پیامبر ﷺ از جنگ‌ها، دفاع از ارزش‌های انسانی حمایت از مستضعفانی بود که اسیر مستکبران شده و خود و خدا را فراموش کرده بودند.

از آغاز تمدن بشری جنگ و خونریزی در اجتماعات انسانی وجود داشته است، چنان که در آغاز تأسیس جامعه اسلامی نیز پیامبر اسلام ﷺ و یارانش در میدان‌های نبرد با دشمنان اسلام جنگیدند و با پیاده کردن الگوی جامع الهی - اخلاقی سعی داشتند نظم نوین و حاکمیتی فوق بشری در حیات دینی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی ملت‌ها ایجاد کنند.

بر این اساس در مقاله حاضر به سؤالاتی نظیر: اسلام دین صلح است یا دین شمشیر؟ و اینکه پیامبر ﷺ در نبردهای خود چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟ پاسخ داده می‌شود.

نویسنده در این مقاله به موضوعاتی از قبیل؛ اسلام دین صلح و آرامش، خاستگاه قرآنی جهاد و اذن تشریح آن، ماهیت جنگ‌های پیامبر ﷺ، اهداف نبردهای پیامبر ﷺ، اصول مدیریتی پیامبر ﷺ در جنگ‌ها و تدابیر و تاکتیک‌های نظامی پیامبر ﷺ می‌پردازد، به امید اینکه بتوانیم در گسترش فرهنگ ناب محمدی ﷺ سهمی داشته، از عنایات و توجهات آن حضرت بهره‌مند شویم. ان شاء الله تعالی.



## اسلام دین صلح و محبت

بی‌گمان اسلام دین صلح و محبت است. هرگاه پیامبر اسلام ﷺ صلح را با قوم یا ملتی می‌پذیرفت، یا هر کسی که با او پیمان صلح می‌بست، با او هرگز نمی‌جنگید، جز آنان که عهدشان را می‌شکستند، و علیه مسلمانان با دشمنان آنان همکاری می‌کردند. در اصل، رسول خدا ﷺ تا وقتی که آثار فتنه یا شرارت نمایان نمی‌شد، به هیچ وجه به قومی حمله نمی‌کرد و دستور جهاد نمی‌داد.

در یک تقسیم کلی می‌توان دیدگاه دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان را درباره نسبت اسلام با صلح و جنگ به سه گروه تقسیم نمود:

۱. گروهی معتقدند از آنجا که اسلام دینی جهانی یا مدعی جهانی بودن است، برای رسیدن به این مقصود از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد و اقدام نظامی با هدف گسترش اسلام امری بایسته و بلکه وظیفه شرعی، جهاد و مقدس است. شاید روح حاکم بر اعتقاد اکثر شرق‌شناسان و گروه‌هایی از مسلمانان تاکنون چنین باشد.

بر اساس این دیدگاه فرجام یابی جنگ و خصومت در اسلام وجود ندارد و روابط مسلمانان و غیر مسلمانان نیز بر اصل ناسازگاری استوار است. اگر مسلمانان و سرور آنان حضرت محمد ﷺ در دوره‌هایی به روابط مسالمت‌آمیز تن داده‌اند، به سبب ناتوانی یا عواملی دیگر بوده است.

۲. گروهی - به ویژه شماری انبوه از اندیشمندان مسلمان - بر این عقیده‌اند که اسلام هم دین صلح و هم دین جنگ است. بر اساس این دیدگاه شاید نتوان اصلی تأسیس کرد، چرا که همواره این زمینه‌ها و شرایط است که تعیین کننده است. دلیل عمده این گروه مسئله جهاد و تقسیمات دفاعی و ابتدایی آن است؛ در حالی که با دقت در انگیزه‌های جهاد در دوران پیامبر ﷺ و تأمل در آیات قرآن کریم، به روشنی ماهیت دفاعی جهاد در اسلام نمایان می‌شود.

۳. گروهی معتقدند اسلام نه تنها دین صلح بلکه دین سلّم است. بر اساس این نظریه اسلام از سلّم و سلام و سلامت به معنای آرامش و امنیت است.<sup>۱</sup>



۱. محمد نصیری، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.



به عقیده گروه سوم، معنای هیچ یک از آیات قرآن این نیست که بدون قید و شرط می‌توان به پیروان دیگر ادیان آسمانی حمله کرد و با آنان جنگید.

طرفداران این نظریه دلایل و شواهد متعددی برای عقیده خود ابراز داشته‌اند؛ از جمله اینکه سیره عملی ده سال حیات با اقتدار پیامبر اکرم ﷺ در مدینه و سر عنوان همه فرمان‌هایی که در گسیل سپاهیان به مرزها، مورد توجه و تاکید آن حضرت ﷺ قرار گرفته (داعياً إلی الِإِسْلَامِ لَا مَقَاتِلًا) گواه این نظریه است. برای نمونه در سال نهم هجری و پس از آنکه برائت از مشرکان نیز اعلان شد، دستور صریح قرآن این است: «هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهِش ده، تا کلام خدا را بشنود، سپس به مکان امنش برسان...»<sup>۱</sup>

اگر در ربیع الاول سال چهارم هجری جنگ با یهود بنی نضیر پیش آمد، به خاطر آن بود که آنان می‌خواستند آن حضرت را غافلگیر کرده، با نقشه ماهرانه با پرتاب سنگ ترور کنند، و با این نقشه مودیان آن صلح مقدس را که با پیامبر اسلام ﷺ بسته بودند، زیر پا گذاشتند.<sup>۲</sup>

همچنین یهود بنی قریظه بعد از آنکه با احزاب مختلف کفار در جنگ خندق علیه مسلمانان وارد کارزار شدند و علناً صلح نامه را یک جانبه ملغی اعلام کردند، به همین علت بود که شب بیست و چهارم ذوالقعدة سال پنجم هجری وقتی لشکر قریش و اعراب بادیه نشین، پس از محاصره یک ماهه مدینه ناپدید شدند، و روز بیست و چهارم ذوالقعدة مسلمانان اسلحه خود را بر زمین نهادند، ظهر همان روز پیامبر اسلام ﷺ مسلمانان را علیه یهود بنی قریظه دستور جهاد دادند.<sup>۳</sup>

مهربانی و سخاوت پیامبر ﷺ یهودیان را راضی نمی‌کرد، آنان از اینکه نمی‌توانستند از او برای تبدیل عربستان به سرزمینی یهودی استفاده کنند، و اینکه اعتقادات او از افسانه‌های تلمودی و عهد عتیق آنان بسیار ساده‌تر بود؛ به خشم آمده بودند؛ لذا با آن حضرت قطع رابطه کردند و در صف مخالفان دین تازه درآمدند.

۱. توبه، ۶.

۲. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۹۹؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۵۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۳.

۳. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۴۴؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۷۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۵؛ ابراهیم، آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۰۸.

بدین سان اسلام در شرایطی اجازه جهاد می‌دهد، چنان‌که در قرآن می‌فرماید: ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَّ إِن اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾<sup>۱</sup> اجازه داده شده است به کسانی که تحت شکنجه و ظلم قرار گرفته‌اند که بجنگند، یا برای نصرت جماعت مظلومان: ﴿فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرٰى فَقَاتِلُوا الَّتٰى تَبْغٰى حَتّٰى تَفِىءَ اِلٰى أَمْرِ اللّٰهِ﴾<sup>۲</sup> اگر یکی از گروه مسلمانان به گروه دیگری ظلم و تعدی کرد، با گروه ظالم بجنگید تا به امر الهی گردن نهد.

و دیگر شرایطی که در کتب فقهی مطرح شده است و بدون آن شرایط، جنگ و جهاد جایز نیست؛ یعنی اسلام جنگ و جهاد را برای هر امری راه حل منصفانه قرار نمی‌دهد، و بالعکس صلح را تا آخرین حد ممکن بسیار ممدوح و مستحسن می‌شمارد؛ قرآن کریم می‌فرماید ﴿الصُّلْحُ خَيْرٌ﴾<sup>۳</sup> در هر امری تا حد امکان صلح بهتر است، این همان اصل مهم اسلامی است که در تمام دوره زندگی حضرت محمد ﷺ بدان عمل شده، و تا ابد برای مسلمانان واقعی حجت قطعی می‌باشد.

علامه شیخ محمود شلتوت (از علمای اهل سنت) می‌نویسد: در قرآن کریم حتی یک آیه هم نمی‌توان یافت که دلالت یا اشاراتی به آن داشته باشد که باید به جنگ برخاست و مردم را با کشتار مجبور کرد که به اسلام بگردند و به اکراه ایمان آورند.<sup>۴</sup>

حضرت امام خمینی (قدس سره) در سخنانی می‌فرماید: «برای آنکه این مسئله در تاریخ بماند، عرض می‌کنم؛ از اول هم اعلام کرده‌ایم که ما به زمین‌های دیگران هیچ نظر نداریم... کراراً گفته‌ایم به حسب دستور اسلام نه ظالمیم و نه مظلوم؛ نه می‌توانیم زیر بار ظلم برویم و نه خود ظلم می‌کنیم. اگر قدرت گرفتن همه دنیا را نیز داشته باشیم، بنابراین نیست، دستور این نیست و برنامه اسلامی این نیست که تجاوز کنیم... ما به تبع اسلام، همیشه با جنگ مخالفیم و میل داریم که بین همه

۱. حج، ۳۹.

۲. حجرات، ۹.

۳. نساء، ۱۲۸.

۴. محمود شلتوت صلح و جنگ در اسلام، ص ۵۲.



کشورها آرامش و صلح باشد؛ لکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، تمام ملتمان جنگجوست»<sup>۱</sup>.

و همچنین شیخ شلتوت می‌افزاید: اسلام هرگز این حالت طبیعی و اصیل صلح را رها نمی‌کند، مگر در صورتی که دستی به خصومت به سویش دراز شود و کار شکنی‌ها و مشکلات سر راهش را بگیرند، و عده‌ای بکوشند تا با خشونت و زور، مردم را از گرایش به اسلام بازدارند؛ تنها در چنین موردی اسلام اجازه داده است که تجاوز را با تجاوز دفع کند، در صورتی که عدالت همچنان استوار و پابرجا باقی بماند، از این رو اسلام جنگ تجاوز کارانه (جنگی که به انگیزه زور گویی و فشار آوردن بر بندگان خدا باشد) را تحریم کرده است.<sup>۲</sup>

حتی در جنگ هم اجازه نمی‌دهد که از حد اعتدال و عدالت خارج شوند: ﴿و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، جنگ و قتال کنید، ولی تعدی و تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد.

بدین‌سان این حقیقت روشن و آشکار می‌گردد که اسلام دین شمشیر و قدرت و جبر نیست، بلکه دین صلح و محبت و امنیت است. این واقعیت بر تمام اصول سیاسی اسلام، اعم از داخلی و خارجی سایه افکنده است. همان‌طور که اسلام خواهان امنیت و صلح و محبت داخلی میان مسلمانان است؛ در سطح کره خاکی هم خواهان صلح و امنیت است. این دیگران هستند که اسلام و قوای اسلامی را مجبور کرده‌اند که همیشه شمشیرها را آماده نگه دارند، و در مواقعی که احساس خطر می‌کنند آنها را از غلاف بیرون کشند و در راه اسلام و ملت خود مبارزه کنند.

<sup>۱</sup>. محمد نصیری، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۲۴۷، به نقل از: جنگ و جهاد، در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر دوم، ص ۱۲۶، ۱۲۸ و ۱۳۵.

<sup>۲</sup>. شیخ شلتوت، الاسلام عقیدة و شریعی، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

<sup>۳</sup>. بقره، ۱۹۰.



## خاستگاه قرآنی جهاد و اذن الهی برای تشریح آن

پس از آنکه حضرت محمد ﷺ در مدینه استقرار یافت، به گسترش دعوت خویش و حمایت از مؤمنان مستضعفی پرداخت که در راه عقیده خود مورد آزار قرار گرفته بودند و وادار به ترک دین خود می شدند؛ برای تحقق این امر، چاره‌ای جز جنگ علیه مشرکانی که مؤمنان را هدف آزارهای پیاپی خود قرار می دادند، وجود نداشت و گریزی از آن نبود که کعبه از بت پرستی و بت پرستان نجات یافته و بت‌هایی که در آن قرار گرفته بود، درهم شکسته شوند، به همین سبب جهاد تشریح گردید.

برخی آیه *﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ...﴾*<sup>۱</sup> در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند مبارزه کنید و...، و برخی دیگر آیه *﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ...﴾*<sup>۲</sup> را به عنوان نخستین آیات می دانند؛ ولی بیشتر مفسران و راویان آیات زیر از سوره حج را به عنوان آیات تشریح جهاد، و اولین آیات نازل شده در این باره می دانند: *﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا... إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾*<sup>۳</sup>. همچنین آیات زیر نیز در رابطه با مفهوم جهاد می باشند که در قرآن به آنها اشاره شده است:

- ۴۸
- جنگ در اسلام برای تحکیم طغیان و خودکامگی نیست (نساء / ۷۶).
  - جنگ در اسلام برای تظاهر و غرور و سد راه حق نیست (انفال / ۴۷).
  - جهاد صرفاً برای نزدیکی به خدا و عبادت در راه خداست، در غیر این صورت شرک و گناه است (بقره / ۲۶۴).
  - جنگ برای غارت و طمع و جمع مال نیست (انفال / ۶۷).
  - اذیت و آزار دیگران و کشتن و غارت اموال آنها به بهانه جهاد ممنوع است (نساء / ۹۴).
  - تجاوز و تعدی از حدود اعتقادی و ایدئولوژی جایز نیست (اسراء / ۱۰).
  - انجام جهاد در چهارچوب مقررات خاصی است که خدا اعلام کرده است (بقره / ۱۹۱-۱۹۴).

۱. بقره، ۱۹۰.

۲. توبه، ۱۱۱.

۳. حج، ۳۸-۴۰.



- هدف از جهاد حاکمیت ارزش ها و حقایق اسلامی است (حج / ۴۱).  
و آیات دیگری که مسئله تشریح جهاد را بیان می کند، که به همین مقدار بسنده می شود.

### ماهیت جنگ های پیامبر ﷺ

اسلام با هرگونه درگیری و جنگ که نتیجه ای جز ویرانگری و تخریب ندارد، مخالف است و آن را نکوهش می کند، ولی مبارزه برای جلوگیری از خودکامگی ستمگران،<sup>۱</sup> نجات محرومان و مظلومان و برداشتن موانع از مسیر راه تکامل انسان ها و رفع مفسد و شرور، ضرورت می یابد؛ چنان که یکی از عوامل بعثت انبیاء رفع اختلافات و اسباب درگیری مردم می باشد، آنجا که قرآن می فرماید: ﴿قَبَعَتَ اللّٰهُ النَّبِیِّیْنَ مَبْشُرِیْنَ وَ مُنْذِرِیْنَ وَ اَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِیْمَا اَخْتَلَفُوْا فِیْهِ وَ...﴾<sup>۲</sup>

آری در نظر انسان عاقلی که از فطرت سالم برخوردار است، جنگ و درگیری به سبب آثار ویرانگر آن نکوهیده است و انسان در سایه صلح و آرامش، بیشتر و بهتر به تکامل وجودی که مقصود از آفرینش عالم و آدم است، دست می یابد.

از نظر قرآن و منابع دینی ماهیت جنگ های پیامبر اسلام ﷺ تنها برای جلوگیری از آلودگی و فساد زمین، محفوظ ماندن پرستشگاه ها و جلوگیری از خطر ویرانی مراکزی که در مقابل جباران و طاغوتان از حاکمیت قانون الهی دم می زنند،<sup>۳</sup> جلوگیری از ستمگری و دفاع از مظلومان،<sup>۴</sup> و به تعبیری برای مقابله با هر آنچه مانع کمال، رستگاری و سعادت انسان است، مجاز شمرده شده است؛ بی شک همه این موارد، ماهیت دفاعی داشته است.

البته از نظر اسلام اختلافات دینی نیز توجیه گر جنگ نیست و پیروان ادیان و عقاید گوناگون می توانند در کنار یکدیگر با مسالمت زندگی کنند؛ و نه تنها از جنگ و خونریزی پرهیزند، بلکه در ارزش های مشترک با یکدیگر همکاری کنند. خداوند

۱. ابراهیم، ۳۴.

۲. بقره، ۲۱۳.

۳. حج، ۴۰.

۴. نساء، ۷۴-۷۶.





درباره زندگی مسالمت آمیز مسلمانان با اهل کتاب از زبان پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «ای اهل کتاب، بیایید بر آن سخن حق که میان ما و شما یکسان است استواری ورزیم.»<sup>۱</sup>

در آیه‌ای دیگر، می‌فرماید دشمنی‌های پیشین نیز نباید عامل ستم ورزی تازه گردد: «ای اهل ایمان نباید کینه توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، شما را به ظلم و بی‌عدالتی وادارد. شما ایمان آورندگان در نیکو کاری و پرهیزکاری به هم کمک رسانید، نه در گناه و ستمکاری.»<sup>۲</sup>

سیره عملی و دفاعی پیامبر ﷺ نیز در تمامی درگیری‌ها با مشرکان، کفار یا یهودیان، بر ترک تجاوز و ستم استوار بود و در اصل، فلسفه جهاد در اسلام، برقراری عدالت و تامین مصالح واقعی و آزادی‌های مردم، بر اساس ارزش‌های انسانی و دینی بوده است.

در همه نبردهای پیامبر ﷺ عنصر سیاسی در کنار عنصر دینی قرار داشت و دستاورد اصلی جنگ‌ها را ترکیبی از اهداف دینی و سیاسی تشکیل می‌داد، و به هیچ صورت نشانی از کشورگشایی و مقاصد پست دنیوی، انتقام و تجاوز در آن یافت نمی‌شد آنچه حضرت محمد ﷺ را حتی در جنگ‌هایش جاودانه ساخت، محور بودن اعتلای کلمه حق در همه ستم ستیزی‌های او بود.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «تمام جنگ‌های پیامبر اسلام ﷺ برای دفاع از آزادی واقعی انسان‌ها بوده است.»<sup>۳</sup>

به هر حال چون ابعاد مختلف سیره دفاعی پیامبر ﷺ گسترده می‌باشد و پرداختن به آنها از حوصله این بحث خارج است، تنها به کلیات و زوایای مختلفی که حکومت و عوامل نفوذ حکم آن حضرت را نشان می‌دهد، اشاره گردید.

۱. آل عمران، ۶۴.

۲. مائده، ۲.

۳. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۷ و ۶۸.



## اهداف نبردهای پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در سیره دفاعی خود از اصولی برای پیشرفت و پیروزی اسلام در جنگ‌ها استفاده می‌نمود، که در نوع خود بی نظیر بود، در این جا چهار اصل اساسی را که آن حضرت در جنگ‌ها به آن می‌پرداختند، و از اهداف بسیار والا در سیره دفاعی آن حضرت به شمار می‌رفت، بیان می‌نماییم:

### ۱. اصل توحید و یکتاپرستی

جهاد رسول خدا ﷺ نه یک سلطه جویی بشری بود و نه کشمکش بر سر خاک و زمین و منابع و امکانات؛ این تصور درباره کسی ممکن است که در مادیات غرق شده باشد، اما جنگ و جهاد پیامبر ﷺ فقط در راه احیای فضیلت‌ها و اعتلای حق و سرکوب کردن باطل صورت می‌پذیرفت؛ به عبارت دیگر، جنگ‌های آن حضرت در راستای فرآیند دعوت الهی انجام می‌گرفت و کسانی که از آن حضرت تبعیت می‌کردند، در جنگ و صلح نیز او را اسوه قرار می‌دادند.

در واقع جهاد رسول خدا ﷺ منشعب از اصول نبوت ایشان بود که ارزش‌ها و فضایل انسانی، انگیزه آن را شکل می‌داد و حق خواهی و خوشخویی و اخلاق بزرگ منشانه پیامبر اکرم ﷺ در همه مراحل و جنبه‌ها بر آن سایه افکنده بود.<sup>۱</sup> به همین دلیل، روزی که سران قریش از ابوطالب حامی پیامبر ﷺ خواستند، تا از او بخواهد که دست از مخالفت با آنها بردارد، رسول خدا ﷺ فرمود: «من از ایشان چیزی نمی‌خواهم جز اینکه یک کلمه بگویند، و بدان وسیله بر تمام عرب سیادت یافته، و عجم را نیز زیر فرمان خویش آورند، این است که بگویند: «لا إله إلا الله» و پس از آن از بت پرستی دست بردارند.»<sup>۲</sup>

بر این اساس، آن حضرت در بیشتر نامه‌هایی که به سران مسیحی می‌نوشتند، به آیه ۶۴ از سوره آل عمران اشاره می‌کردند که می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾؛ ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم، آنکه جز خدای را نپرستیم، و هیچ

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۴۴.



چیز را شریک او نسازیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد و ...

## ۲. اصل حمایت از مستضعفان

پیامبر اسلام ﷺ همانند انبیای پیشین، خاستگاهی مردمی داشتند. آنان از میان مستضعفان به پا می‌خاستند و در طول دوران زندگی و رسالت خویش هیچ گاه وابسته و اسیر قدرت‌های پושالی نمی‌شدند؛ آنان مانند بسیاری از مصلحان دیگر نبودند که برای کسب قدرت در مسیر انجام اصلاحات، خود را وابستهٔ فلان قدرت یا فلان دولت کنند، بلکه تنها یک دلبستگی داشتند و آن دلبستگی به حق بود. بنابراین همهٔ نیرو و توانشان نیز از این ناحیه بود با این اوصاف مردمی‌یابیم که پیامبران الهی از متن زندگی مستضعفان برانگیخته می‌شدند، از میان مردمانی که با فقر و فشار زندگی می‌کردند؛ به همین خاطر سختی‌ها و تلخی‌های زندگی محرومان را چشیده بودند، و پس از بعثت خویش هرگز راه کاخ سلطانی را در پیش نمی‌گرفتند، تا احیاناً در کنف حمایت او، رسالت خود را به انجام رسانند.<sup>۱</sup>

از این رو مستضعفان صالح گرامی‌ترین انسان‌ها نزد رسول خدا ﷺ بودند. آن حضرت به محرومان عشق می‌ورزیدند و آنان را بزرگ و عزیز می‌داشتند، لذا از آنجا که تحقق سنت الهی به پیروزی حق بر باطل و چیره شدن مستضعفان بر مستکبران می‌انجامد، پیامبران نیز به منظور یاری کردن آنها، برای ایجاد نظام الهی مبتنی بر این اصل را می‌کوشیدند.

## ۳. اصل مقابله با مستکبران

این اصل چنان‌که از نام آن پیداست، به معنای درگیری ذاتی و دائمی اسلام با هرگونه گردنکشی و برتری جویی است. استکبار چهره‌های گوناگونی دارد و در هر لباسی ظهور کند، باید با آن به مقابله برخاست، مقابلهٔ آنان که ولایت الهی را پذیرفته‌اند، با آنان که تحت ولایت شیطان هستند؛ چرا که اگر انسان‌های الهی با چهره‌های گوناگون استکبار مقابله نکنند و تباهی‌گری و ستم‌پیشگی آنها را دفع نکنند، تباهی و ستم زمین را پر خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۱. سعید جلیلی، سیاست خارجی پیامبر، ص ۲۸۹.

۲. حج، ۴۰.





بدین سان همیشه دو جبهه در برابر هم قرار داشته‌اند: «جبهه مدافع حق و عدالت» و «جبهه ملازم ستم و بیداد». در این میان خداوند سرپرست اهل حق، و طاغوت‌ها سرپرست اهل کفرند، چنان‌که در قرآن آمده است: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا... فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۱</sup> با این اوصاف یک جبهه، جبهه یاوران حق و دیگری جبهه یاوران باطل است. در یک سو پیامبران و پیروان آنها و در سوی دیگر چهره‌های گوناگون استکبار، یاوران شیطان، قدرت‌های بیدادگر سیاسی، اقتصادی و قدرت‌های منحرف مذهبی قرار دارند. به هر حال لازمه تحقق این رسالت، درگیری با مستکبران است، ولذا رسول خدا ﷺ همواره در سه بعد (عقیدتی، سیاسی و نظامی) با مشرکان، منافقان و کافران جهاد می‌کردند؛ این جهاد در واقع مقابله با مستکبرانی بود که نمی‌توانستند شاهد آزادی انسان‌ها از اسارت بت‌ها باشند.

البته نباید فراموش کرد که به طور کلی، مشی اسلام، مشی جنگ و جدال نیست، چنان‌که در صدر اسلام نیز هنگامی که دوران دعوت طی شد پس از تحمل بسیار و آن‌گاه که مشرکان مکه آزار و ستم را از حد گذرانده، مسلمانان را بیش از اندازه تحت فشار قرار دادند، اذن قتال (در سوره حج) صادر شد - که قبلاً به آن اشاره شد - بنابراین، نبرد با مستکبران برای بسط و گسترش دعوت الهی و فراگیری دین خدا بر روی زمین از اهداف الهی جهاد است.

#### ۴. اصل عدم انظلام

انظلام یعنی تن دادن به ظلم و زیر بار ظلم رفتن، که در این باره باید گفت؛ رسول خدا ﷺ و اوصیای ایشان و پیروان حقیقی آنها هرگز تن به ظلم نداده‌اند، چنان‌که «حلف الفضول» نیز پیمانی در جهت شکست انظلام بود. همچنین با توجه به آیات متعدد، خداوند هرگز راضی به ظلم و خواهان هیچ ستمی نیست، از جمله در آیه زیر می‌فرماید: ﴿وَمَا اللَّهُ بِرِيدٍ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ﴾<sup>۲</sup> و خداوند هیچ ستمی بر بندگان نمی‌خواهد.

<sup>۱</sup>. بقره، ۵۷.

<sup>۲</sup>. مؤمن، ۳۱.

کوتاه سخن اینکه منطق دین، مقتضی عدم انظلام و خروج بر زمامداران خودسر و قیام علیه ستم می‌باشد، اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که ستمکاران متجاهر به ستم بر مردم مسلط شوند؛ و هیچ گاه سکوت و تحمل ظلم و تعدی ستمگران و فاجران را جایز ندانسته و به مردمی که قدرت بر رفع ستم و اصلاح امور را دارند نیز چنین اجازه نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

### اصول مدیریتی پیامبر ﷺ در جنگ‌ها

مدیریت به معنای علم و هنر زیبایی، متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های مختلف به منظور نیل به هدفی مشخص است. این علم و هنر در زیباترین و والاترین چهره خود، در سیره نبوی قابل مشاهده است؛ مدیریت الهی مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و مراتب وجودی او که در حقیقت، با اداره قلب‌ها تحقق می‌یابد. بدون تردید، هدف از این نوع مدیریت، خارج کردن انسان از مرتبه حیوانی و وارد کردن او در مرتبه رحمانی و خروج از ظلمات به سوی نور می‌باشد. به هر تقدیر، نوع مدیریت آن حضرت در طول مسیر بحرانی و جریان جنگ، قبل از آغاز جنگ تا بعد از پایان شعله‌های آن، می‌تواند به عنوان درسی زیبا و جذاب در آیین الهی، آموختنی و البته لازم‌الاتباع باشد. لذا نکاتی بسیار دقیق از این نوع مدیریت را که کاملاً با مدیریت بشری جنگ‌ها متفاوت است، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۵۴

#### - ایجاد انگیزه الهی

رسول خدا ﷺ قبل از نبرد از ایجاد انگیزه‌های سطحی یا مادی صرف، فاصله می‌گرفت و دل‌ها را با توجه دادن به انگیزه‌های الهی به تحرک وادار می‌داشت؛ زیرا کارکرد انگیزه‌های الهی، بسیار با دوام‌تر است و از آنجا که دست یافتن به این انگیزه‌ها بسیار سخت است، در نتیجه تاب تحمل مشکلات نیز بیشتر فراهم می‌آید. اینک نمونه‌هایی از این ایجاد انگیزه الهی را که مربوط به جنگ بدر می‌باشد نقل می‌کنیم.

۱۴۰۳  
خرداد



۱. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، ص ۱۶۲.



پیامبر ﷺ آمادهٔ نبرد شده بود، اما نه نبردی که انگیزهٔ آن به دست آوردن مال و ثروت یا گرفتن قدرت باشد، بلکه دشمن خدا به رویارویی مؤمنان آمده بود و آنان ناگزیر بودند تا به دعوت خدا و رسولش، پاسخ مثبت دهند، لذا وارد نبرد شدند، اما درست در مقابل آنها کسانی بودند که فقط به دنبال انگیزه‌های مادی آمده بودند و اندیشه‌ها و نقشه‌های مختلف آنان را سست و ناکام ساخته بود، و لذا در هنگام رویارویی، ترس بر دل‌های آنان چیره می‌شد.<sup>۱</sup>

در جنگ احزاب نیز پیشنهاد پیامبر ﷺ برای تطمیع سران دو قبیلهٔ غطفان و نجد، برای مصالحه در مقابل دریافت یک سوم محصولات مدینه، باعث آزمندی آن دو قبیله شد. یقیناً اگر در گروهی، پایبندی‌های قومی، قبیله‌ای و مادی بر مبنای دیگری غالب گردد، باعث می‌شود که عزم و اراده از آن جمع رخت بر بندد، چرا که به علت همین آزمندی‌ها بود که آنان از طولانی شدن محاصره و بی نتیجه ماندن آنان خسته شدند، که میان آنها و قریش اختلافاتی به وجود آمد و سرانجام در صدد برآمدند تا از همان راهی که آمده‌اند بی‌هیچ دستاوردی باز گردند.<sup>۲</sup>

در جنگ احد نیز خداوند، دل‌های مؤمنان را به این مژده استوار ساخت که اگر در میدان نبرد پایداری کرده، ثابت قدم بمانند و خدا را به یاد داشته، مطمئن باشند که از همهٔ قدرت‌ها برتر است، و همچنین اگر دل استوار دارند و از جنگ و تعقیب دشمن روی بر نتابند و به غنائم مشغول نشوند و سرانجام، اگر به مخالفت با فرماندهی هوشیار که آنان را به راه درست و همکاری نزدیک در میدان نبرد فرا می‌خواند، نپردازند خداوند آنان را به وسیلهٔ فرشتگان آسمانی یاری خواهد کرد. در این خصوص آیات الهی نیز گواهی می‌دهند؛ «آن‌گاه به مؤمنان می‌گفتی آیا این شما را بسنده نمی‌کند، که پروردگارتان به وسیلهٔ هزار فرشته که از آسمان فرو فرستاده می‌شوند، از شما پشتیبانی کند؟ بلکه اگر صبر کنید و پرهیزکار باشید به زودی همین که آنان بر شما در آیند، پروردگارتان ما را به وسیلهٔ پنج هزار فرشته - که همه نشان دارند - پشتیبانی خواهد کرد، و...»<sup>۳</sup>

۱. محمد ابوزهره، خاتم پیامبران، ترجمهٔ حسین صابری، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. همان، ص ۶۴۵ و ۶۴۶.

۳. آل عمران، ۱۲۵-۱۲۷.

بنابراین تشویق و تحریک به نبرد، عنصری اساسی در بالا بردن روحیه معنوی، و عوامل روانی برای جنگجویان است، چنان‌که در آن زمان، برانگیختن روحیه حماسی در جمع و ایجاد انگیزه شدید بر واقعیتی که برای آن می‌جنگند، و اینکه تا حصول نهایی آن باید بکوشند، همه مؤمنان را در حالت بیداری و انقلابی نگه می‌داشت و حرکت و انگیزه روانی و علاقه دائم برای رویارویی با دشمن را در آنان بر می‌انگیخت؛ در این باره قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «ای اهل ایمان، آیا می‌خواهید که به نجاتی سودمند هدایت شوید، تا از عذابی دردناک رهایی یابید؟ پس به خدا و رسول او ایمان بیاورید، و با مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که اگر دانا باشید این برای شما بهتر است، تا پروردگار گناهانتان را ببخشد و در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند و...»<sup>۱</sup>

#### - اراده محکم و پایداری در تصمیم

پیامبر اسلام ﷺ با داشتن اراده قوی و پایداری در تصمیم - که هرگز متزلزل نمی‌شد - از همه ممتاز بود و چون تصمیمی را اتخاذ می‌کرد، می‌بایست آن را به انجام می‌رساندند به عنوان نمونه، در جنگ احد، هنگامی که رأی اکثریت بر جنگیدن در بیرون از شهر قرار گرفت، پیامبر ﷺ هیچ تردیدی را به خود راه نداد و زره را بر تن کرد و سپر خویش را برداشت، تا آماده نبرد شده، اضطراب را از دل اصحاب بیرون کند.<sup>۲</sup>

و نیز در روز بعد از جنگ احد با قاطعیت به تعقیب مشرکان دستور داد و غزوه «حمراء الاسد» شکل گرفت.<sup>۳</sup>

همچنین بعد از جنگ خندق به سرکوب بنی قریظه فرمان داد و سریعاً به آنجا رفته با قاطعیت، تصمیم اتخاذی را در خصوص قتل مردان آنها به اجرا گذاشتند.<sup>۴</sup> البته آن حضرت هنگامی که نسبت به شرایط جنگی درک کاملی داشت، فرمان قاطع می‌داد و بر اجرای آن پای می‌فشرد.



۱. صف، ۱۰-۱۳.

۲. محمد ابوزهره خاتم پیامبران، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳. سعید جلیلی، سیاست خارجی پیامبر ص ۱۱۷.

۴. همان.



مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبر ﷺ که او را از دیگران ممتاز می‌کرد، و قاطعیت در اجرا را به دنبال داشت، عبارت‌اند از:

۱. بررسی تمام جوانب تصمیم و فرمان قبل از صدور آن؛ ۲. عدم بازگشت و انصراف از تصمیم پس از ابلاغ آن؛ ۳. تغییر حکم و فرمان با تغییر شرایط جنگی؛ ۴. حفظ توانمندی‌های عقلانی و تداوم هدایت و رهبری میدان نبرد، در اوضاع و احوال سخت؛ ۵. تصمیم به پیروزی.<sup>۱</sup>

### - شورا و مشورت

مشورت در سیره رسول خدا ﷺ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است، و در اصل، بنای تصمیم‌گیری در شیوه «مدیریت بر قلب» بر مشورت و تبادل نظر در امور و پرهیز از خودرأیی و استبداد، استوار است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و آنان که اجابت کردند امر پروردگارشان را و برپای داشتند نماز را و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند، و از آنچه به آنها روزی دادیم، انفاق می‌کنند».<sup>۲</sup>

یا در جای دیگر می‌فرماید: «پس بر آنان بیخشای و برای‌شان طلب آمرزش کن و در کارها با ایشان مشورت کن و آن‌گاه که بر کاری تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد».<sup>۳</sup>

پیامبر ﷺ خود نیز می‌فرماید: «مشورت با عاقل خیر خواه» هدایت و توفیقی از سوی خدا است.<sup>۴</sup>

همچنین در غزوه‌های آن حضرت، مشورت حاکم بوده است. در غزوه بدر، رسول خدا ﷺ درباره اصل جنگ، تعیین موضع جنگ و اسیران جنگی با اصحاب خود مشورت کرد.<sup>۵</sup>

۱. وتر، ضاهر، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر، ترجمه اصغر فاندان، ص ۸۲.

۲. شوری، ۳۸.

۳. آل عمران، ۱۵۹.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۲۴.

۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۶۰؛ مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، ص ۲۴۵.



در نبرد احد شورایی تشکیل داده، دربارهٔ چگونگی مقابله با لشکر قریش، در داخل یا بیرون شهر، به مشورت پرداختند.<sup>۱</sup>

در جنگ احزاب نیز پیامبر ﷺ برای مقابله با سپاه بزرگ مشرکان کار را به مشورت گذاشتند، و با توجه به نظر سلمان فارسی، تصمیم به کندن خندق گرفتند.<sup>۲</sup>

تاریخ پیامبر ﷺ را شخصیتی می‌شناسد که به آرای دیگران احترام می‌گذارد، و امور را به طریق شورایی به انجام می‌رساند، او نه تنها هیچ‌گاه از شنیدن آرای دیگران در «غیر ما انزل الله» روی بر نمی‌تافت، بلکه مسلمانان را برای دستیابی به درست‌ترین تصمیمات به مشاوره تشویق می‌کرد و مشورت با دیگران را شریک شدن در عقل و تدبیر دیگران می‌شمرد؛ و تردیدی نیست که پیامبر ﷺ نه تنها در اتخاذ درست‌ترین تاکتیک دفاعی در نبردها با صحابهٔ خویش و البته صاحبان رأی به مشورت پرداخته، بلکه در سایر موارد نیز از کسب آراء و اندیشه‌های دیگران استفاده کرده است.

#### - پیامبر ﷺ مظهر رحمت الهی

رسول خدا ﷺ در ادارهٔ امور و جنگ‌ها، بیش از همه چیز از رحمت و محبت بهره می‌گرفت. با این روش، پیامبر ﷺ موانع و مشکلات را دفع کرده، مقتضیات رشد و کمال نیروهای خود را فراهم می‌کرد.

رسول خدا ﷺ با همهٔ صلابت و قدرت در فرماندهی و تشکیلات، از نرمش و محبت برخوردار بود. او در فرماندهی خود اهل نرمش و ملایمت بود، نه تکبر و سلطه‌جویی، به همین سبب سربازان بر محور این فرماندهی حکیمانه، گرد هم می‌آمدند و در راه حق داوطلبانه و از روی اختیار جانفشانی می‌کردند.

رحمت و مهربانی رسول خدا ﷺ با سپاهیان خود در نبرد احد و در پی زخم‌هایی که بر جان ارتش اسلام نشسته بود، خود را نشان داد، آنجا که آن حضرت هیچ کس را سرزنش نکرد، و هرگز به اندیشه‌اش نگذشت که سربازان را به سبب اشتباهاتی که از ناحیهٔ آنان صورت گرفته است، مورد محاکمه قرار دهد، بلکه همهٔ تلاش او در میدان نبرد بر این بود که سربازان خود را دوباره به صحنه برگردانده، وضعیت را به حال نخست درآورد تا مسلمانان پایداری کنند و اجازه ندهند همگی در مقابل

۱. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۶۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۰۶؛ المغازی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. المغازی، ج ۲، ص ۴۴۴؛ تاریخ طبری ج ۲، ص ۲۴۵.





هجوم دشمن کشته شوند. به همین سبب بود که آنان را به سوی فراز کوه (احد) برد و پرچم سپاه را به دست کسی داد که حق آن را ادا کند، در عین حال که خود نیز به نبرد و مقاومت پرداخت؛ بنابراین پیامبر ﷺ سربازان خود را مورد عفو و گذشت قرار داد تا غرور و قدرت آنان همچنان برای آینده بر جای بماند، هر چند آنچه در احد از آنان سرزده بود، نه تنها شادی آفرین نبود، بلکه غمبار نیز بود، حتی رسول اکرم ﷺ به عفو آنان بسنده نکرد، بلکه از خداوند آنان مغفرت طلبید. چنان که در قرآن آمده است: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ...﴾<sup>۱</sup>

و نیز رحمت و مهربانی خود را نسبت به شهدا نشان داد؛ چرا که پیامبر ﷺ فرمان داد پیکرهای آنان، به جای اینکه به سوی خانواده‌هایشان برگردانده شود، در همان مکان دفن گردد.<sup>۲</sup> این رأفت و مهربانی حتی نسبت به دشمنان سرسخت آن حضرت تسری یافته بود، تا جایی که بر جنازه عبدالله ابن اُبی، آن منافق پیشه بی‌آبرو نماز خواند و می‌فرمود، اگر می‌دانستم که با طلب مغفرت من خدا او را می‌بخشاید، برای او طلب مغفرت می‌کردم. همچنین بعد از سربیه‌ها مانند سربیه موته معمولاً همراه جمعی به استقبال لشکر می‌رفت.<sup>۳</sup>

بنابراین جنگ‌های رسول خدا ﷺ هرگز به معنای تلف کردن، از میان بردن، ایجاد فساد یا بی‌اعتنایی مطلق به همه پایبندی‌های انسانی نیست، آن حضرت انجام هر کاری را در جنگ روا نمی‌دانست و دست به کارهایی نمی‌زد که امروزه گاهی فرماندهان نظامی از آن بهره می‌جویند، کارهایی از قبیل کشتار جمعی و از میان بردن نسل انسانی و محصولات کشاورزی مردم و سمی کردن آنها به منظور کشتن مردم. یک روز به حضرت محمد ﷺ خبر رسید که سربازان اسلام برخی از اطفال مردم را کشته‌اند، پس به خطبه ایستاد و فرمود: «برخی را چه شده است که آن قدر

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. محمد ابوزهره، خاتم پیامبران، ج ۲، ۵۳۵ و ۵۳۶.

۳. وتر ضاهر، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر، ص ۲۵۲.

در کشتن دیگران پیش رفته‌اند که کودکان مردم را کشته‌اند، هشدار که کودکان رانکشید.»<sup>۱</sup>

کوتاه سخن اینکه جنگ در مکتب پیامبر اسلام ﷺ به منظور برتری طلبی یا یک خونریزی بی‌هدف صورت نمی‌گرفت، و رسول خدا ﷺ اسوه رحمت و مهربانی بود و اگر اتفاق می‌افتاد که شخصی اشتباهی را مرتکب می‌شد از او می‌گذشت و او را مورد لطف و محبت خود قرار می‌داد.

### – کسب اطلاعات یا تکمیل آن

پیامبر اسلام ﷺ همواره برای به دست آوردن آگاهی‌های قبل از نبرد در جهت خنثی کردن اندیشه نبرد، یا پی بردن به نقشه آن، یا در جهت تقویت صحت تصمیم‌ها به دریافت و دستیابی به همه اخبار و امور مربوط به دشمن فرمان می‌داد.

پیامبر ﷺ برای دستیابی به اطلاعات، بیش از سایر امور جنگی در تلاش بود؛ زیرا دریافت اطلاعات و کامل از دشمن، به معنای اتخاذ و صدور حکم و فرمان صحیح برای جنگ است. به همین منظور در کنار غزوه‌ها، گاهی سریه‌هایی را نیز به نواحی مختلف اعزام می‌داشت. آن حضرت نیروها را به منطقه عملیاتی مورد نظر می‌فرستاد و خود در راه عبور، با تجار و مسافران برخورد کرده، از آنان و ساکنان محلی کسب اطلاعات می‌کرد؛ به عنوان نمونه در جنگ بدر، پیامبر ﷺ دو نفر را برای کسب اطلاعات از کاروان تجاری قریش، دو نفر را برای گردآوری اطلاعات از مقر تمرکز نیروها، دو نفر را برای بررسی تعداد نیروهای دشمن و یک نفر را هم برای کسب اخبار جابه‌جایی دشمن و میزان افزایش نیروهای آن مأموریت داد.<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ اطلاعاتی را که برایش ارسال می‌شد، مورد بررسی، دقت، پیرایش و تحلیل عملی و دقیق قرار داده، با واقعیت و موقعیت جنگی طرف مقابل خود هماهنگ می‌ساخت، ایشان می‌کوشید تا اطلاعات بسیار فعال و پویا بوده و با عمل فرمانده و گروه‌های مأمور همراه و هماهنگ باشد، چرا که خبریاب‌ها، عنصری اساسی در تثبیت نتیجه و پیروزی به شمار می‌آمدند، آنان معلومات و آگاهی کافی و دقیق از



۱. مصطفی طلّاس، پیامبر و آیین نبرد، ترجمه حسن اکبر مرزناک، ص ۳۰۹.

۲. وتر، ضاهر، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر، ترجمه اصغر قائدان، ص ۱۴۵-۱۴۸.



دشمن را گرد می‌آوردند، و حضرت در میدان نبرد از آنها استفاده می‌کرد و طرف مقابل را با روش و اطلاعات خود و با نیروی منسجم و هماهنگ سرکوب می‌نمود. و دیگر اصولی که پیامبر ﷺ در نبردها از آنها استفاده می‌کرد، که از حوصله این بحث خارج می‌باشد؛ مانند: مدیریت امور عقیدتی و تبلیغی، اختیار در حضور و عدم اکراه، اجرای مساوات، تشویق و تنبیه نیروها، انضباط و جدیت در اداره امور، در نظر گرفتن اصول جنگ (نظیر بسیج نیروها، استفاده از یورش ناگهانی در زمان و مکان مناسب، استمرار فشار به هنگام غزوه‌های پی در پی و متصل به یکدیگر، مثل «احد و حمره الاسد»، اجرای مانور با استفاده از امکانات و نیروهایی که فراهم آورده بود، سازماندهی صحیح، پراکنده نکردن نیروها، ایجاد امنیت در تمامی جبهه‌های جنگی)، خنثی کردن نیروهای مخالف، تمایل به صلح و آتش‌بس، برقراری وحدت بین نیروها و رازداری، و...

### تدابیر و تاکتیک‌های نظامی پیامبر ﷺ

رسول خدا ﷺ در صورتی می‌توانست به اهداف نظامی خود دست یابد که یک شیوه دفاعی مناسب داشته باشد. با نگاهی به حوادث بیست و سه سال دعوت و تبلیغ پیامبر ﷺ و ده سال جنگ و درگیری مخالفان با او، آشکارا می‌توان دریافت که رسول خدا ﷺ دارای برنامه دقیق و مناسب بوده و در مواقع حساس و دفاعی از آنها استفاده می‌کرد؛ چرا که به واسطه همین تاکتیک‌های او بود که مسلمانان به پیروزی نزدیک می‌شدند و با یاری خداوند سرفراز از میدان‌های نبرد بیرون می‌آمدند. بنابراین ما در این مقاله برخی از اصول و تاکتیک‌های نظامی آن حضرت را به طور خلاصه بیان می‌کنیم و از توضیح آن به علت طولانی نشدن سخن چشم می‌پوشیم. آن اصول و تدابیر جنگی رسول خدا ﷺ عبارت‌اند از:

۱. شناسایی دقیق و کامل دشمن از طریق گرد آوری اطلاعات، آمار و خبرگیری‌های دقیق.

۲. اجتناب از جنگ‌های همزمان در چند جبهه.

۳. رعایت اصل غافلگیری و پنهان داشتن اسرار نظامی.

۴. فشار اقتصادی بر دشمن.

۵. بهره گیری از نیروهای تهاجمی و ضربتی و سرعت در پوشش‌های عملیاتی.
  ۶. فرماندهی عالی و پیشگامی در تمامی لحظات بحرانی و محورهای تشدید نبرد.
  ۷. مراقبت کامل بر یکپارچگی مجاهدان.
  ۸. بهره گیری دقیق و مناسب از شیوه جنگ روانی.
  ۹. توجه به اصول اخلاقی و انسانی.
  ۱۰. توجه به نظرها و پیشنهادهای فرماندهان نظامی.<sup>۱</sup>
- آری چنین تدابیری، تنها بخشی از برنامه‌های هدایتی و حکومتی رسول خدا ﷺ بوده است، که با به کارگیری مناسب از آنها و با مدیریت هوشمندانه آن حضرت در مواقع بحران و درگیری باعث می‌شد که حضرت و یارانش به پیروزی دست پیدا کنند.
- کوتاه سخن اینکه آنچه در عرصه‌های مختلف زندگی پیامبر ﷺ مشاهده می‌گردد، گویای بیست و سه سال بحران و مبارزه است، مبارزه‌ای که در نهایت توانست نطفه اسلام نوین را نه فقط در خاک عربستان، بلکه در دل مستضعفان و ستمدیدگان عالم بکارد و فراگیر شود. همه اینها مدیون تفکر، تأمل و تحمل رسول اکرم ﷺ و یاران وفادار و مخلص ایشان است.

### سخن پایانی

پیامبر اسلام ﷺ در راه تاسیس شریعتی نو و تشکیل حکومتی بر پایه آن، با مقاومت منفی بت پرستان مشرک و دیگر پرستان بی‌دین روبه‌رو بود. آن حضرت و پیروانش در صدر اسلام، به سبب نوپا بودن حکومت دینی، بارها مورد هجوم کلامی و نظامی مشرکان قرار گرفتند، اما باید اذعان کرد که راز استقرار اسلام در آن عصر و استمرار آن تاکنون در چگونگی برخورد مدبرانه پیامبر ﷺ در برابر آن یورش‌ها همچنان پنهان است.

در واقع دین اسلام، دین صلح و آرامش و امنیت است، لذا پیامبر ﷺ و مسلمانان در پی آن بودند، و اگر هم جنگ و نبردی رخ می‌داد، شروع آن از طرف مشرکان و کفار بود که پیمان وعهد خود را می‌شکستند و باعث جنگ و خونریزی می‌شدند.

۱. محمد نصیری، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۱۱۳.





مسلمانان برای دفاع از خود به مقابله آنان برمی‌خاستند؛ چرا که اسلام در شرایطی که مسلمانان تحت شکنجه و ظلم قرار گیرند، جهاد را جایز می‌داند، چنان‌که در آیه ۳۹ سوره حج بدان اشاره شده است.

از مطالبی که ذکر شد، به خوبی روشن می‌شود که اسلام دین شمشیر و قدرت و زور نیست، بلکه دین صلح و محبت و امنیت است؛ و اسلام جهاد را در چهار چوب مقررات خاصی که خداوند اعلام کرده جایز دانسته است.

در اصل ماهیت جنگ‌های پیامبر ﷺ تنها برای جلوگیری از آلودگی و فساد زمین، و نجات محرومان و مظلومان، و برداشتن موانع از مسیر راه تکامل و رستگاری و سعادت انسان‌ها بوده است و فلسفه جهاد در اسلام، برقراری عدالت و تامین مصالح واقعی و آزادی‌های مردم، بر اساس ارزش‌های انسانی و دینی می‌باشد.

هر نظام و حکومتی برای استمرار خود به مجموعه‌ای از قوانین و اصول پایبند است. پیامبر اسلام ﷺ نیز با به کارگیری اصول مدیریتی نظیر: توحید و یکتا پرستی، حمایت از مستضعفان، مقابله با مستکبران، عدم انظلام، ایجاد انگیزه الهی در میان نیروهای خود، اهتمام به شورا و مشورت، و کسب اطلاعات از نیروهای دشمن؛ و با تدابیر و تاکتیک‌های نظامی که به آنها اشاره شد، توانستند اسلام و مسلمانان را حفظ و آنها را به پیروزی مطلق برسانند.

## منابع

۱. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۵م.
۲. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق الدكتور مارسدن جونز، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۳. شلتوت، محمود، الاسلام عقیده و الشریعة، دارالقلم، قاهره.
۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۵. طلاس، مصطفی، پیامبر و آیین نبرد، ترجمه حسن اکبرمرزناک، انتشارات بعثت.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۸ق، ۱۹۶۷م.
۷. یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت، ۱۹۶۰م.
۸. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۹. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، چاپ هشتم، دفتر نشر معارف، زمستان ۱۳۸۴.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دارالعلم، قم، (بی تا).
۱۱. شلتوت، محمود، صلح و جنگ در اسلام، ترجمه: شریف رحمانی، ناشر مطبوعاتی خزر، تهران.
۱۲. ابوزهرة، محمد، خاتم پیامبران، ترجمه حسین صابری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۱۳. جلیلی، سعید، سیاست خارجی پیامبر، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۴. دلشادتهرانی، مصطفی، سیره نبوی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالکتب العربی، مصر، ۱۳۸۵.
۱۶. محمد بن سعد، طبقات الکبری، داربیروت للطباعة والنشر، ۱۴۰۵م.
۱۷. قرآن کریم.
۱۸. ضاهر، وتر، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر، ترجمه اصغر قائدان، نشر جدید، ۱۳۷۴.

